

خدا چگونه انسان را هدایت می کند؟-۴

**پناهیان: نشناختن اصول و قواعد «هدایت» خیلی به انسان ضربه می زند/ نباید انتظار داشت با همان روشی که ابلیس مردم را به جهنم سوق می دهد خدا مردم را به بهشت سوق دهد/ خدا مردم را با اکراه به سوی بهشت نمی برد، اما تحمل هم نمی کند کسی با اکراه مردم را به جهنم ببرد/ با تبلیغات بیش از حد نباید مردم را به هدایت وادار کرد**

پناهیان: هدایت، اصولی دارد که خداوند متعال در جریان هدایت، آنها را رعایت می کند و پای این اصول هم خیلی هزینه داده است. بسیاری از مظلومیت‌های اولیاء خدا سر رعایت اصول هدایت است. نشناختن اصول و قواعد هدایت خیلی به انسان ضربه می زند. اینکه خیلی‌ها ساز و کار و قواعد هدایت را نمی‌شناسند، در روز قیامت هم خودش را نشان می‌دهد و برخی از ظالمان و کافران در روز قیامت می‌گویند: اگر خدا ما را هدایت می‌کرد، ما به جهنم نمی‌افتادیم!

حجت الاسلام پناهیان به مناسبت ماه مبارک رمضان ۳۰ شب در مصلی بزرگ امام خمینی با موضوع «**خدا چگونه انسان را هدایت می کند؟**» سخنرانی می‌کند. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **جلسه چهارم** را می‌خوانید:

**نبايد انتظار داشت با همان روشی که ابلیس مردم را به جهنم سوق می دهد خدا مردم را به بهشت سوق دهد**

• هدایت، اصولی دارد که خداوند متعال در جریان هدایت، آنها را رعایت می‌کند و پای این اصول هم خیلی هزینه داده است. بسیاری از مظلومیت‌های اولیاء خدا سر رعایت اصول هدایت است. نشناختن اصول و قواعد هدایت خیلی به انسان ضربه می‌زند. اینکه خیلی‌ها ساز و کار و قواعد هدایت را نمی‌شناسند، در روز قیامت هم خودش را نشان می‌دهد و برخی از ظالمان و کافران در روز قیامت می‌گویند: اگر خدا ما را هدایت می‌کرد، ما به جهنم نمی‌افتادیم! (لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ \* أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ... زمر/ ۵۷ و ۵۸)

• الان ابلیس هم دارد اذنان خودش را به نوعی هدایت می‌کند و به جهنم سوق می‌دهد! (إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ؛ فاطر/ ۶) و ابلیسان هم دارند آدم‌های ضعیف تحت سلطه شیطان را به سمت بدبختی سوق می‌دهند. آنها با یک روش‌هایی، مردم را به سوی جهنم سوق می‌دهند که نباید انتظار داشته باشید خدا هم به همان روش‌ها شما را به سمت بهشت ببرد.

• بعضی‌ها می‌گویند: «آنها (ابلیسیان) دارند با فیلم سینمایی جذاب، ما را به سمت جهنم سوق می‌دهند، شما هم با فیلم سینمایی جذاب، ما را به سمت بهشت ببرید. ببینید آن طرف، چه جاذبه‌هایی وجود دارد! چرا شما از این جاذبه‌ها ندارید؟!» این افراد چون با روش غلط هدایت خو کرده‌اند، انتظار دارند خدا هم آنها را به همین روش‌های غلط، به سمت بهشت ببرد ولی خداوند این کار را انجام نمی‌دهد. اتفاقاً خداوند عمداً خیلی از جاذبه‌ها را در این طرف، قرار نداده است تا کسی الکی جذب نشود)

• ابلیس، هم هدفش غلط است و هم روشی که برای رسیدن به آن هدف دارد، غلط است. و خداوند متعال، هم هدفش درست است و هم روش او درست است. در این روش درست خداوند، اصول و قواعدی رعایت می‌شود که اگر ما این اصول را ندانیم، انتظار

داریم همان طوری که تبلیغات مسموم غربی‌ها، آدم‌ها را به فساد می‌کشاند، همان‌طور هم تبلیغات قوی‌الاهیون، مردم را به سمت خدا بکشاند ولی این انتظار نابه‌جایی است.

### قبل از ارزیابی پیام، روش انتقال پیام را ارزیابی کنید

- وقتی کسی به روش غلط، تبلیغات را شروع کرد، دل سپردن به پیام او ضررهای جدی خواهد داشت، چون برای انسانیت شما احترام قائل نشده است و کرامت انسانی را رعایت نکرده است. حتی اگر کسی زیادی پُر جاذبه سخن گفت، باز هم نباید به دنبال شنیدن سخنان او رفت. ببینید وقتی خداوند با انسان سخن می‌گوید، جاذبه و دافعه را در کنار هم دارد و زیاد تشویقی برخورد نمی‌کند و به این ترتیب، کرامت انسانی را رعایت می‌کند. لذا کسی که صرفاً با جاذبه سخن می‌گوید و اصلاً دافعه‌ای ندارد باید مراقب باشید که او می‌خواهد شما را به چه سمتی سوق دهد.
- وقتی روزنامه یا رسانه‌ای، احترام و کرامت انسانی شما را رعایت نکرد، باید تا حد امکان از گوش دادن به پیام‌های او پرهیز کنید، چون او برای شخصیت انسانی شما احترام قائل نشده و معلوم است که پیام او تأثیر خوبی نخواهد داشت، چون تخریب کرامت انسانی جایی برای اثرات خوب باقی نمی‌گذارد.
- انسان نباید همیشه پیام را ارزیابی کند تا بفهمد که آیا این پیام، صحیح است و شایسته پذیرش هست، یا نه؟ خصوصاً امروزه، شما باید قبل از اینکه خود پیام را ارزیابی کنید، اول باید روش انتقال پیام را ارزیابی کنید و اگر دیدید که این روش، اغواگرانه است و احترام و کرامت انسانی شما را رعایت نکرده است و اثر منفی بر کرامت انسانی و انسانیت شما می‌گذارد، دیگر آن پیام ارزش گوش دادن ندارد و خیری در آن پیام نخواهد بود.
- اگر دیدید که روش انتقال پیام، جاذبه مطلق است یا توأم با تشویق و تویخ فوری است و بنا دارد با اغواگری پیامش را منتقل کند، مستقل از اینکه محتوای آن پیام چه باشد، باید بفهمید که آن پیام اثر بدی دارد و نباید به دنبالش رفت؛ زیرا یا پیامش غلط است یا قصد ناصحیحی از آن دارد.
- همه پدر و مادرها و مربیان باید روش‌ها و اصولی که خداوند متعال در عملیات هدایت ما رعایت می‌کند را رعایت کنند و الا بچه‌ها بد بار می‌آیند. بچه‌ای که همیشه با شکلات و تشویق‌های فوری به نماز جذب شود، با شکلات هم از نماز دفع می‌شود. البته منظور این نیست که اصلاً بچه‌ها را برای نماز تشویق نکنیم، ولی این تشویق باید خیلی رقیق باشد.

### یکی از ویژگی‌های کلیدی هدایت، اجباری نبودن است/ ایمان نمی‌تواند توأم با زور و کراهت باشد

- یکی از ویژگی‌های کلیدی هدایت این است که «هدایت، اجباری نیست». البته اجباری نبودن هدایت، سطوح مختلفی از معانی را دارد که باید دقت شود. خداوند می‌فرماید: «اگر خدا می‌خواست همه کسانی که روی زمین هستند، ایمان می‌آوردند، آیا تو می‌خواهی مردم را وادار کنی که مؤمن باشند؟! وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس/۹۹) اصلاً ایمان نمی‌تواند توأم با زور و کراهت باشد.
- اینکه خداوند متعال، مردم را به هدایت، اکراه نمی‌کند معنایش این است که آنها را وادار نمی‌کند. البته این عدم اکراه در هدایت، ابعاد مختلفی دارد. مثلاً یکی از ابعاد این وادار نکردن، حرام بودن غیبت است. خداوند اجازه نمی‌دهد ما با غیبت کردن یک انسان

گنهکار، آبروی او را ببریم، چون خدا نمی‌خواهد آن انسان گنهکار، در یک فشار روانی و ترس دائمی قرار بگیرد و از ترس آبروریزی، خودش را جمع کند و از گناه فاصله بگیرد. چون در این روش، یک نوع اکراه و اجبار روانی وجود دارد.

- حتی خداوند اجازه نمی‌دهد ما یک گنهکار را مسخره کنیم، چون در مسخره کردن هم یک نوع اکراه و اجبار روانی وجود دارد. مثلاً ما حق نداریم افراد غیرمحبوبه را مسخره کنیم تا محبوبه شوند. ولی کسانی که می‌خواهند خانم‌های ما غیرمحبوبه شوند، یکی از روش‌های‌شان این است که آنها را مسخره می‌کنند.

### برخی افراد نادان فکر می‌کنند باید تبلیغات در عرصه سیاسی را با توهین و تخطئه کردن اداره کنند

- گاهی اوقات اکراه و اجبار، از نوع اجبارهای روانی است؛ مثل توهین و تمسخر. برخی از افراد نادان، که شاید نماز هم بخوانند، فکر می‌کنند باید تبلیغات در عرصه سیاسی را با همین توهین‌ها و تخطئه کردن‌ها اداره کنند. اصلاً برخی از اینها، آمار بازدید از سایت خودشان را با ناسزا دادن و توهین، بالا می‌برند! در حالی که باید احترام و کرامت انسانی را نگه داشت. البته معنای رعایت احترام این نیست که ذلیل دشمن باشیم؛ بعضی‌ها در مقابل دشمن سفاکی که این‌همه جنایت کرده، یاد احترام می‌افتند و احترام او را رعایت می‌کنند ولی رقیب مؤمن و مسلمان خود را با بدترین توهین‌ها و ناسزاها مورد حمله قرار می‌دهند!
- برای حاکمیت اسلامی کاری ندارد که بخواهد به روش‌های غیر هدایت، از بسیاری از مشکلات، جلوگیری کند؛ روش‌هایی که در همه دنیا مرسوم است. ولی از این روش‌های غلط استفاده نمی‌کند، همان‌طور که پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) در حکومت خود از این روش‌ها استفاده نکردند.

### با تبلیغات بیش از حد نباید مردم را به هدایت وادار کرد/ خداوند به پیامبر اجازه نداد با تبلیغات سحرکننده همه را تسلیم حق کند

- اینکه در روش هدایت الهی اکراه نیست، ابعاد و معانی مختلفی دارد. یک نمونه‌اش اکراه از طریث جنگ روانی و یک نمونه‌اش تبلیغات افراطی است؛ یعنی حتی با تبلیغات بیش از اندازه هم نباید مردم را به انتخاب راه صحیح وادار کنید. خداوند می‌فرماید: «ای پیغمبر! درست است که اعراض کافران(و انکار حق) برای تو سخت و سنگین است، ولی تو می‌خواهی اگر می‌توانستی، یک آیه‌ای بجویی که از اعماق زمین یک نشانه‌ای بیرون بیاوری یا از اعماق آسمان‌ها یک نشانه‌ای بیاوری و به آنها نشان دهی تا آنها تسلیم حق شوند، اگر خدا می‌خواست همه را هدایت می‌کرد، از نادان‌ها نباش؛ وَ إِن كَان كَبْرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُبْنِعِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (انعام/۳۵) این آیه قرآن، از غریب‌ترین و ناشناخته‌ترین آیات قرآن است.
- به نظر شما آیا این کار بدی است که پیامبر(ص) یک آیه و نشانه‌ای بیاورد که همه مردم تسلیم حق شوند و ایمان بیاورند؟ چه اشکالی دارد؟! مگر ایشان می‌خواهد مردم را فریب دهد؟! ولی خداوند در این آیه می‌فرماید: ای پیامبر(ص)! اگر بخواهی با یک نشانه بسیار محکم، همه را هدایت کنی، این کار، کار آدم‌های نادان است. یعنی اگر برای هدایت مردم یک نشانه کاملاً شفاف و تمام‌کننده بیاوری، جزء نادان‌ها قرار گرفته‌ای! ببینید این توبیخ چقدر سهمگین است.
- علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید: مگر پیامبر(ص) چه آیه و نشانه‌ای می‌خواست بیاورد که خدا فرموده است آن نشانه را نیاورد؟ طبیعتاً این نشانه، یک نشانه معمولی نبوده است، بلکه آیه سحرکننده و تمام‌کننده است که فرصت انتخاب به مردم نمی‌دهد،

بلکه حق را کاملاً شفاف و روشن می‌کند. وقتی حق به قدری روشن باشد که شما دیگر فرصت انتخاب و راه فرار نداشته باشید و فقط مجبور باشید حق را انتخاب کنید، در این صورت خدا چگونه باید شما را امتحان کند؟! چگونه ارزش ما را نشان دهد؟ دیگر پاداش دادن به انتخاب شما بی‌معنا خواهد بود. پس شفاف‌سازی به شکل افراطی را نیز می‌توان نوعی اکراه یا وادار کردن، محسوب کرد.

## صاحب گوش شنوا با همین آیات، حق را می‌پذیرد/برخی انتظار دارند فرشته وحی را ببینند تا ایمان بیاورند!

- خداوند در آیه بعد می‌فرماید: «إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (انعام/۳۶) یعنی کسانی که گوش شنوا داشته باشند همان سخنانی که تو می‌گویی برای‌شان کافی است و دیگر لازم نیست دنبال آیه و نشانه خاصی باشی تا همه را تسلیم حق کنی. آن کسی که باید بگیرد، با همین سخنان تو مطلب را می‌گیرد. یعنی خداوند اجازه نمی‌دهد که پیامبر(ص) آیه سحرکننده و تمام‌کننده بیاورد، ولی از آن طرف هم می‌فرماید همین آیاتی که برای مردم آورده است کافی است و کسانی که گوش شنوا و عقل و فهم داشته باشد با همین آیات، تسلیم حق خواهد شد.
- انتظار نداشته باشید که وحی یا فرشته‌ای نازل شود که شما را هدایت کند و به شما بگوید این کار را انجام دهید. بعضی‌ها واقعاً برای هدایت خودشان منتظرند یک فرشته‌ای بر آنها نازل شود. مشرکین مکه هم از پیامبر(ص) می‌خواستند که فرشته وحی را ببینند یا صدایش را بشنوند تا ایمان بیاورند. ولی خدا اجازه نمی‌داد. (وَ قَالُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ؛ انعام/۸)
- اینکه در هدایت، اکراه نیست، وجوه و ابعاد مختلفی دارد، مثلاً اینکه: ۱- معمولاً در هدایت، تشویق و تنبیه فوری نیست. ۲- تبلیغات یک‌سویه و سرشار از جاذبه و سحرکننده و فوق‌العاده شفاف نیست، یعنی تبیین بسیار شفاف نیست و یک‌مقدار ابهام وجود دارد(گاهی اوقات با اشاره بیان می‌شود؛ مثلاً اینکه نام ائمه هدی(ع) در قرآن کریم نیامده است). ۳- دستورات دین طوری است که اجازه رشد گنهکار و ایجاد نفاق را می‌دهد.

## خدا مردم را با اکراه به سوی بهشت نمی‌برد، اما تحمل هم نمی‌کند کسی با اکراه مردم را به جهنم ببرد

- خداوند در هدایت، کسی را وادار نمی‌کند، و حتی این‌همه هزینه هم پای اکراه نکردن می‌دهد(مثل مظلوم واقع شدن اولیاء خدا) و این‌همه سخت‌گیری هم برای اکراه نکردن، دارد. حالا این سؤال مطرح می‌شود: خداوند که این قدر سخت‌گیرانه مراقبت می‌کند که به بندگان او برای هدایت در مسیر خدا، اکراه(اجبار) نشود، آیا این خدا تحمل خواهد کرد کسی با اکراه مردم را به جهنم ببرد؟! قطعاً تحمل نمی‌کند و با این افراد، به شدت برخورد می‌کند.
- می‌دانید علت جنگ‌های پیامبر اکرم(ص) چه بود؟ خداوند به پیامبر(ص) خودش اجازه نمی‌دهد که مردم را با اکراه به سمت بهشت ببرد، ولی از سوی دیگر، با کسانی که مردم را با اکراه به سمت جهنم می‌برند، شدیداً برخورد می‌کند و به پیامبر(ص) دستور می‌دهد گردن این افراد را بزند و نابودشان کند.
- خدا از این طرف به پیامبر(ص) می‌فرماید تو حق نداری با تبلیغات سحرکننده مردم را به سوی خدا بکشانی، از آن طرف هم اگر کسی با تبلیغات مست‌کننده، بخواهد مردم را به سمت ابلیس ببرد، پیامبر(ص) با او به شدت برخورد خواهد کرد. لذا پیامبر(ص) هند

جگر خواره و ابوسفیان و حتی قاتل عموی خود، حمزه (ره) را بخشید اما کسی را که با شعرهای خودش به پیامبر (ص) توهین می کرد، نبخشید و دستور داد حتی اگر به پرده خانه کعبه هم پناه برد، او را بکشند. (وَ كَانَ عَهْدُ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَى الْمُسْلِمِينَ عِنْدَ تَوَجُّهِهِ إِلَى مَكَّةَ أَنْ لَا يَقْتُلُوا بِهَا إِلَّا مَنْ قَاتَلَهُمْ وَ أَمَنْ مَنْ تَعَلَّقَ بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ سِوَى نَفَرٍ كَانُوا يُؤَدُّونَهُ ص مِنْهُمْ مَقِيسُ بْنُ صَبَّابَةَ وَ ابْنُ خَطَلٍ عَبْدُ الْعَزْزِيِّ وَ ابْنُ أَبِي سَرْحٍ وَ قَيْنَتَانِ كَانَتَا تُغْنِيَانِ بِهَجَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ص)؛ ارشاد مفید/ ۱/ ۱۳۶ و (... كَانَتَا تُغْنِيَانِ بِهَجَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَامَرَ بِقَتْلِهِمَا مَعَهُ؛ تاریخ الطبری/ ۵۸/۳)

### امام زمان (ع) اجازه نخواهد داد کسی مردم را به زور به جهنم ببرد / شمشیر امیرالمؤمنین (ع) نیز برای مقابله با همین مسأله بود

- خدا و اولیاء خدا مردم را با اکراه به سمت بهشت نمی برند اما اگر کسی بخواهد مردم را با اکراه به جهنم ببرد، با او به شدت برخورد می کنند. یکی از معانی اکراه هم این است که کسی بخواهد مردم را اغوا کند، فریب دهد، قدرت تصمیم گیری و انتخاب مردم را با ایجاد جنگ روانی، زائل کند. خداوند با این افراد خیلی سخت و شدید برخورد می کند.
- فلسفه جنگ های زمان امام زمان (ع) هم اصلش همین است. شاید مهمترین اقدامی که امام زمان (ع) بعد از ظهور انجام می دهند این است که دیگر اجازه نمی دهند کسی مردم را به زور به جهنم ببرد. آن وقت است که بسیاری از امور دیگر سامان می یابد
- خداوند برای هدایت مردم، خیلی صبور است و به سادگی دستور به شمشیر کشیدن نمی دهد. به اولیاء خودش هم فرموده است رنج ها و مظلومیت ها را تحمل کنید. اما خداوند اجازه نمی دهد که اهل باطل، مردم را به بدی ها وادار کنند. شمشیر امیرالمؤمنین (ع) برای مقابله با همین مسأله بود. ایشان در بین سه جنگ (جمل، صفین و نهروان) در جنگ نهروان از همه سخت گیرانه تر برخورد کرد و همه آنها را کُشت و کسی را زنده نگذاشت. به دلیل اینکه آنها ظاهر دینی داشتند و یک انحرافی پیدا کرده بودند که با آن ظاهر دینی شان، می توانستند انحراف شدیدی در بین مردم ایجاد کنند.

### درست است که هدایت با اکراه نیست اما وادار کردن مردم برای رفتن به سمت جهنم نیز ممنوع است

- درست است که هدایت با اکراه نیست اما اکراه مردم برای رفتن به سمت جهنم هم ممنوع است. اگر بخواهیم با این موضوع مقابله کنیم، خیلی مسائل مطرح می شود. مثلاً یک نمونه اش این است که باید برویم تمام قوانین را بررسی کنیم و اگر یک قانون برگرفته از قوانین غربی طوری باشد که مردم را با اکراه به سوی جهنم می فرستد، باید اصلاح شود. نمی شود که به فکر اصلاح قوانینی که ما را به بی دینی وادار می کنند نبود و فقط بنشینیم و همدیگر را موعظه کنیم. یک نمونه دیگرش هم چیزی است به نام کتب ضالّه، که با اغواگری مردم را منحرف می کنند.

